

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلقی کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۱۹ - دوشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۹۶، ۱۹ فوریه ۲۰۱۸

بازداشت معاون سازمان محیط زیست و توطئه ایران در نابودی محیط زیست کوردستان

۳

هیئتی از حزب دمکرات کوردستان ایران در سومین نشست "مرکز همکاری‌های احزاب کوردستان"، حضور یافت.

۲

پیام مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران به مناسبت ۲۲ بهمن سالروز پیروزی انقلاب مردمی ایران

۲

www.kurdistanmedia.com



کوردستان سرودی بر تارک آفرینش

۶



یادگیری و تقویت، زبان "مادری" یک حق است

۶



عملیات هوایماهای اسرائیلی در سوریه و تفسیرهای پیرامونی

۵



گذر از جمهوری اسلامی علل و عوامل

۴

سلفن

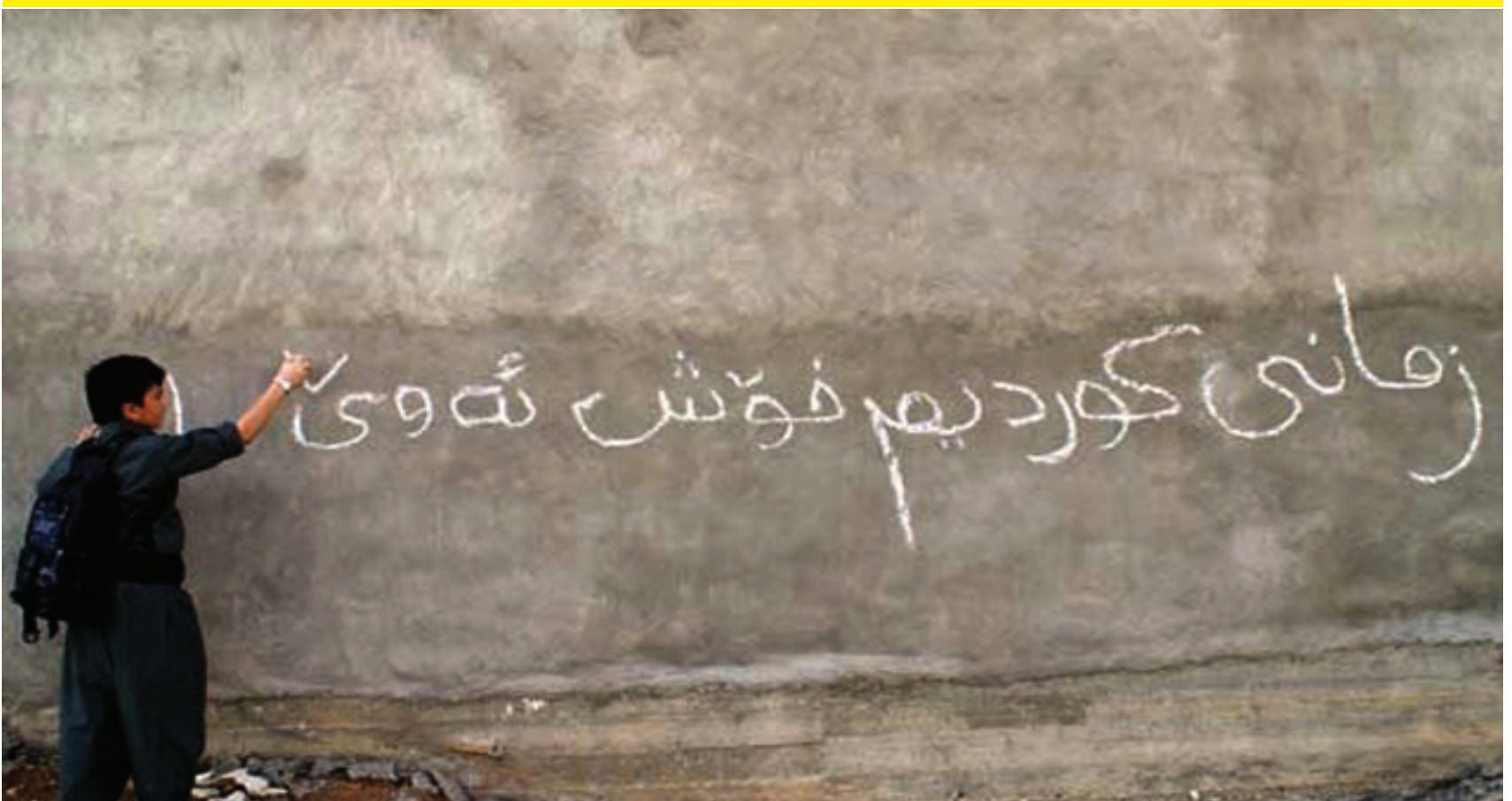
مسالهی رفراندوم

کریم پرویزی

روزهای گذشته، بیانگر روزهای حساس عمر جمهوری اسلامی بود. طی این روزها و بعد از قیام مردم جان به لب رسیده سراسر ایران، بعد از سرکوب و اعمال خشونت عربیان و بی‌حد و مرز علیه مردم ناراضی، هنگام سخنان سران رژیم مشخص می‌شد که آیا سرکوب مردم، پیروزی و موفقیتی را نصیب رژیم کرده یا نه؟ هرچند خامنه‌ای و فرمانده‌های سپاه اعلام کردند که آشوب پایان یافته است! اما در کوتاه مدتی مشکلات عمیق و اصلی عیان شد و احمدی نژاد مهره دست نشاندهی خامنه‌ای، در انتظار جهانیان، اقتدار و مشروعیت رهبر رژیم و قوهی قضایی را زیر سؤال برد و روحانی نیز، مهره امنیتی مورد تأیید خامنه‌ای، اعلام کرد که باید پیام مردم را شنید و گرنه سرنوشتی بجز سرنوشت شاه انتظار خامنه‌ای را نخواهد کشید و بعداً نیز مبحث رفراندوم را به میان کشید.

اگر سخنان سران رژیم را در کنار اظهارات جنتی قرار دهیم به این نتیجه می‌رسیم که جمهوری اسلامی به لحظه مرگ خود آگاه شده است و به دنبال راهی برای استمرار حیات خود است. رفراندومی که روحانی از آن دم می‌زند در چهارچوب جمهوری اسلامی قرار دارد و هرچند طرح چنین مسالهای نشان می‌دهد که رژیم نسبت به فرورفتن هر چه بیشتر در باتلاق بحران‌ها، آگاه شده و در این میان هدف از مطرح کردن رفراندوم تنها ایجاد فشار سیاسی بر باند و گروه‌های دیگر و گرفتن امتیاز و فریب افکار عمومی‌ست چرا که دروغ بودن تمام وعده و وعیدهای این رژیم را به امروز اثبات شده است. رفراندومی که اصلاح‌طلبان از آن دم می‌زنند، برای تغییر در تعدادی از بندهای قانون اساسی جمهوری اسلامی است و آن‌ها قصد دارند که تحت عنوان حفظ و بقا ایران، بر عمر رژیم اسلامی بیافزایند. اما نوع دیگری از رفراندوم مطرح شده

کودکان را از زبان مادری شان بیزار می‌کنند



همچنین خطاب به تمام فرزندان ملت‌مان این درخواست را داریم که روز زبان مادری را به فرصتی برای بیان اعتراض علیه سرکوب زبان مادری و نقض حق ملی کورد و بخش‌های دیگر ایران بدل کنند. ملت کورد یکی از ملیت‌های تحت ستم بوده که مستمرا از سوی دولت‌های تمامیت‌خواه و اشغالگر مورد هجوم قرار گرفته که در این پروسه‌ی دزادمت زبان یکی از فاکتورهای اصلی و کارآمد بوده است. این واقعیتی غیرقابل انکار است که در مقابل فشار و سرکوب مردم و تلاش در راستای نابودی فاکتورهای ملی ملت کورد به ویژه زبان، بودند کسانی که برای خنثی کردن تلاش‌های اشغالگران، با احساس مسئولیتی بی‌حد و مرز، دست به مقابله و مبارزهای مقدس زدند و مسئولیت زنده نگه داشتن شکوفایی آنرا بر عهده گرفتند و با واکنشی مناسب و شایسته به رفتارهای تمامیت‌خواهانه‌ی رژیم پاسخ دادند.

آئینی‌ست، اما حکومت‌های مختلف حاکم بر ایران در قبال پذیرفتن این واقعیت و اعتراف به حق خواندن به زبان مادری، سیاست انکار، سرکوب و به حاشیه راندن این زبان‌ها را در پیش گرفته‌اند. عدم به رسمیت شناختن "آموزش به زبان مادری" در ایران از لحاظ روانی، آموزشی، فرهنگ و زبانی به منبع اصلی ایجاد مشکلاتی عظیم و غیرقابل جبران بدل شده است. نگاه ایدئولوژیک و سیاسی حکومت، این حق را به سمت و سوی دیگری سوق داده است. - از دیدگاه حکومت ایران زبان مادری تهدیدی‌ست علیه منافع ملی و تمامیت ارضی و همزمان پهنه‌ای‌ست برای استقلال‌طلبی، به همین خاطر بر این باورند که این مفاهیم اصلی باید بنیاد اساسی هویت ایرانی را شکل دهند. در رابطه با ملت کورد نیز در این بیانیه آمده است: وظیفه ملی هر انسان کوردی‌ست که مساله زبان مادری و حفظ آن را جدی گرفته و در راستای حفظ و شکوفای آن تلاش کند.

ملی و مذهبی، ماده ۵۲ بیانیه جهانی حق زبان‌ها. در رابطه با وضعیت و شرایط حاکم بر زبان و متکلمان به زبان‌های موجود در ایران باید متذکر شد که فارغ از امضای ظاهری تمام میثاق‌های و توافقات بین‌المللی در رابطه با زبان مادری از سوی جمهوری اسلامی اما هیچکدام از بندها و بخش‌های این پیماننامه‌های بین‌المللی از سوی این رژیم رعایت نشده بلکه بالعکس، در مقابل تلاش‌های خودجوش برای حفظ و توسعه‌ی زبان مادری مانع ایجاد کرده است. در رابطه با این روز بسیار مهم، که مستقیماً به مبارزه و قیام ملت‌مان پیوند خورده است، مرکز همکاری‌های احزاب کوردستان طی انتشار بیانیه‌ای به استقبال دوم اسفند رفته و در آن، به بخشی از توطئه‌ها و تلاش‌های رژیم برای نابودی و اضمحلال هویت ملیت‌های ایران پرداخته که لازم است به آن اشاره نمود: - ایران از لحاظ ساختار زبانی، ملی، مذهبی و فرهنگی سرزمین متکثر و چند

انسان و بارزترین فاکتور شناخت خود و بنیاد ملت شناخته می‌شود و بر این اساس اولین وسیله پیوندی فرد با دنیای خارج و اولین وسیله بیان احساسات و افکار و آرزوها و رویاها می‌باشد. بر همین اساس سازمان ملل، با تأکید بر اهمیت وافر و احساس شده‌ی زبان مادری، در سال ۱۹۹۹ میلادی، روز بیست و یک فوریه برابر با دوم اسفند، را به مانند روز جهانی زبان مادری تعیین کرد تا از این طریق، هم اهمیت زبان مادری و یادگیری آن به مثابه حقی انسانی مشخص شود و هم مانع از ذوب و اضمحلال و نابودی زبان‌های مختلف در جهان شود. برای درک اهمیت این موضوع در نزد یونسکو، در اینجا به بخشی از مواد قانونی که در اعلامیه‌های و میثاق‌های بین‌المللی تصویب شده است اشاره می‌کنیم: ماده‌ی ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده‌ی ۳۰ کنوانسیون حقوق کودک، ماده‌ی ۴ بیانیه حقوق فرد وابسته به اقلیت‌های

بنابر مصوبه‌ی یونسکو، دوم اسفندماه هر سال -بیست و یک فوریه- را به عنوان روز جهانی زبان مادری تعیین کرده و در میان ملت‌های جهان به شیوه‌های مختلف این روز گرامی داشته می‌شود. اهمیت این مساله و لزوم اختصاص روزی تحت این عنوان، از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که زبان آئینه‌ی تمام عیار فرهنگ ملت‌ست که با آن تکلم می‌کنند و نماینده‌ی هویت آن‌هاست، بدین معنا که هستی و حیات هر ملتی را بدان گونه که بوده یا هست یا بدان صورت که خواهد بود معرفی می‌کند. بر این اساس، هنگامی یک زبان زنده محسوب می‌شود و می‌تواند این وظیفه‌ی تاریخی را عهده‌دار شود که که متکلمان به آن زنده باشند، زنده بودن نه بدین معنا که در جهان واقعی حضور داشته باشند بلکه به این معنی که با افتخار به زبان مادری خود تکلم کنند و هویت حقیقی خود را از آن مسیر معرفی کنند. زبان مادری یکی از نشانه‌ها و نمادهای اصلی هویت و کرامت

ادامه در صفحه‌ی ۲

پیام مرکز همکاری احزاب کردستان ایران به مناسبت ۲۲ بهمن سالروز پیروزی انقلاب مردمی ایران

اپوزیسیون کورد و ایرانی برای به سرانجام رسانیدن رسالت تاریخی‌شان و پشتیبانی از جنبش‌های توده‌ای ضرورتی سرنوشت ساز و انکارناپذیر می‌باشد.

مرکز همکاری احزاب کردستان ایران ضمن ارج نهادن به قیام مردمی ملیت‌های ایران در سال ۵۷ برای برقراری جامعه‌ای دمکرات، سکولار و عدالت اجتماعی، از مبارزه مردم برای احقاق حقوق و آزادی‌هایشان و در نهایت تغییر رژیم سیاسی در ایران حمایت کرده و خود را حامی و پشتیبان هر جنبش دمکراسی‌خواهانه‌ای می‌داند در راستای تضعیف و برچیدن رژیم جمهوری اسلامی و همچنین بر ضرورت همکاری و همبستگی تمام مبارزین و آزادیخواهان ایران تاکید می‌ورزد.

پیروز باد جنبش آزادیخواهان ملت کرد

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران
مرکز همکاری احزاب کردستان ایران
۱۹ بهمن ۱۳۹۶ خورشیدی
۸ فوریه ۲۰۱۸ میلادی

به وسعت ایران جنبش‌های مدنی و اجتماعی (زنان، دانشجویان، جوانان، محیط زیست، کارگران و ...) در حال رشد هستند. فضای ترس و ارعابی که رژیم طی چهار دهه گذشته بر ایران حاکم کرده است، شکاف عظیمی برداشته و مردم ترس‌شان ریخته است. در عرصه خارجی و منطقه‌ای نیز رژیم جمهوری اسلامی با مجموعه‌ای از مشکلات بزرگ و حل ناشدنی روبروست.

حمایت و پشتیبانی بی پروا از تروریسم، جنگ افروزی و دخالت و آشوبگری رژیم در منطقه دیگر برای جهان قابل قبول نخواهد بود.

جنبش حق طلبانه کردستان با ویژگی‌های مترقی‌خواهانه خود که از ابتدا پیشرو مبارزه برای سرنگونی رژیم توتالیتر و دیکتاتور جمهوری اسلامی بوده است، بی‌شک در آینده نیز وظیفه بزرگی را در این عرصه بر عهده خواهد داشت.

با درکی صحیح از شرایط امروزی و وظایفمان در آستانه این تغییر بزرگ اجتماعی و سیاسی در ایران، بر این عقیده هستیم که اتحاد و همبستگی میان تمام آزادیخواهان و

خواست‌های مردم اهداف و آرمان‌های قیام ۵۷ که عبارت بودند از رفع تبعیض جنسیتی و طبقاتی، بهرمندی اقلیت‌های ملی و اقلیتی از حقوق اولیه و همچنین احقاق حقوق زنان، آزادی‌های فردی و در کل بنیاد نهادن ایرانی آزاد، دمکرات و سکولار، عاجز و ناتوان بوده است.

در سالروز قیام ملیت‌های ایرانی و با نگاهی گذرا به وضعیت سیاسی و اقتصادی ایران زیر سلطه جمهوری اسلامی به وضوح پیداست که مسئولین و مدیران این رژیم آرزوها و آرمان‌های قیام مردمی را به انحراف برده و با ارتجاعی‌ترین قوانین، حقوق و آزادی‌های انسان را انکار و کشور را غرق در فساد، دزدی، تاراج و ویرانی کرده‌اند.

تورم رو به افزایش و خالی‌تر شدن صندوق توسعه ملی، ورشکستگی بانک‌ها، رکود اقتصادی و بیکاری روزافزون و ... اقتصاد ایران و حتی رژیم حاکم را نیز به بن بست رسانده و تنها افقی روشن و امیدبخش برای اقشار مردم ایران و حل این مشکلات تغییر نظام سیاسی است که این روزها

بخشیده است. با نگاهی به محتوا و وسعت جغرافیای این اعتراضات در مقایسه با سایر اعتراضات گذشته، این حقیقت را نمایان می‌شود که مبارزات سیاسی و مدنی در ایران پا به عرصه نوینی نهاده است. اهم دستاوردها و ویژگی‌های این مرحله عبارتند از: انحطاط مشروعیت از نظام جمهوری اسلامی و از هر دو جناح اصلاح طلبان و اصولگرایان و اتمام انسداد سیاسی و ریزش هژمونی رژیم حاکم و در جبهه مقابل بالا رفتن روحیه مبارزاتی مردم به ستوه آمده علیه رژیم جمهوری اسلامی که نشان داد پایه‌های رژیم دیکتاتوری در برابر نیرو و اراده مردمی چقدر ضعیف، حقیر و ضربه‌پذیر است.

رژیم جمهوری اسلامی در طول سالیان عمر خود از هیچ ابزار و شیوه‌ای برای سرکوب و ارعاب، شکنجه، کشتار و اعدام فروگذار نبوده، اما نتوانسته میل آزادیخواهی را در ایران بمیراند و بنابراین و علی‌رغم ثبت تاریخی سپاه و استفاده از تمام دستگاه‌های سرکوبگر، تبلیغات و رسانه، ارشاد و نظام آموزشی خود از تغییر مسیر دادن به

در حالی به سی و نهمین سالروز قیام مردم ایران برای سرنگونی رژیم پادشاهی و برقراری نظامی آزاد و دمکراتیک نزدیک می‌شویم که مبارزه برای رهایی و آزادی وارد مرحله جدیدی شده است. اعتراضات وسیع مردمی ۷ دی و روزهای متعاقب آن تاثیر چشمگیری را بر جامعه و حکومت دیکتاتوری نهاده و سیمای نوینی را از مبارزات جنبش حق طلبانه توده‌ای و ملیت‌های ایرانی را برای احقاق آزادی و سرنگونی نظام سیاسی جمهوری اسلامی را در ایران به نمایش گذاشته است.

خیزش وسیع مردمی در مناطق مختلف ایران اگرچه از اعتراض به وضعیت وخیم اقتصادی و معیشتی مردم بود که حاصل سیاست‌های غلط و فساد در اقتصادی ویران و رانتی که در انحصار سپاه پاسداران و ارگانهای سیاسی - امنیتی وابسته به بیت رهبریت، به سرعت شکل سیاسی به خود گرفت و مشارکت جسورانه و الهام بخش زنان، کارگران، دانشجویان و سایر اقشار جامعه، امید تازه‌ای به جنبش‌های اجتماعی در ایران

که جای دقت و تأمل بیشتری دارد که طی آن تعدادی از گروه، احزاب و فعالان سیاسی مخالف جمهوری اسلامی خواهان تعیین نوع رژیم شده‌اند که به معنای گذار از جمهوری اسلامی است و قصد دارند با تقاضایی به ظاهر امروزی و دمکراتیک، رژیم جدیدی را جایگزین رژیم کنونی کنند. در این رابطه باید به چند نکته اشاره کرد که اگر رژیم جمهوری اسلامی ایران رژیمی ضد مردمی است - که چنین نیز می‌باشد - پس چه کسی مجری این فرآیند خواهد بود؟ از سوی دیگر پرسه‌ی همه‌پرسی نیازمند ده‌ها هزار پرسنل و فاصله‌ی زمانی مناسب است تا جناح‌ها و گروه‌های مختلف بتوانند به اظهار نظر بپردازند و تبلیغات خود را انجام دهند و...، چنین سیستمی که بستری مناسب و دمکراتیکی را برای برگزاری همه‌پرسی مهیا کند که رای‌ها دزدیده نشوند و تقلبی هم صورت نگیرد، کدام سیستم است؟ سوال مهم دیگر این است که هنگامی که جمهوری اسلامی با تمام توان نظامی و امنیتی و سازمان‌های سرکوبگرش هنوز حضور دارد، چه کسی تضمین امنیت رای‌دهندگان و نیز مبلغان تغییر رژیم را خواهد کرد؟ از این‌ها مهم‌تر آیا قرار بر این است که تاریخ تحریف و به غارت بردن و فریب دادن مردم بار دیگر تکرار شود؟ در تمام جهان بعد از هر قیامی، ابتدا قانون اساسی و چارچوب عمومی چگونگی باهم زیستن مردم و ملیت‌های حاضر در کشور نوشته می‌شود و قانون مذکور به رای گذاشته می‌شود نه به مانند جمهوری اسلامی پیش از هر چیزی در فرآیند تحریف شده از مردم سوال کند که آیا جمهوری اسلامی را می‌خواهید یا نه؟ در آن زمان نیز هیچ کس نمی‌دانست که جمهوری اسلامی یعنی چه تا خواهان آن باشند یا نه. همچنین گزینه‌ی دیگری را در این میان قرار نداده بودند تا کسانی که خواهان جمهوری اسلامی نیستند به آن رای دهند؟ آیا حال نیز بعد از گذشت ۴۰ سال از عمر شوم رژیم سرکوبگر و درنده‌ی جمهوری اسلامی همان فریبکاری و نیرنگ تکرار می‌شود و بحث از فرآیند برای تعیین نام رژیمی می‌کنند بدون آنکه بدانیم که در سیستم آینده، بار دیگر به چه میزان سرکوب می‌شویم و تحت عنوان چیزهای مقدس شده‌ی دیگر، ده‌ها و هزاران نفر دیگر را از مردم می‌کوشند و اعدام می‌کنند؟

فرآیند دمکراتیک و واقعی بعد از سقوط جمهوری اسلامی و نوشتن قانونی اساسی بر مبنای پرنسیپ‌های دمکراسی و زندگی آزاد و برابر همه ملیت‌های ایران انجام می‌شود که در چنین فرآیندومی این قانون به رای گذاشته خواهد شد و به معیاری برای با هم زیستن بدل می‌گردد نه وسیله‌ای برای مقدس کردن وهم‌ها و شمشر کشتار مردم.

هیئتی از حزب دمکرات کردستان ایران

در سومین نشست "مرکز همکاری‌های احزاب کردستان"، حضور یافت.



تبریک منتشر کرده و در جهت همکاری اعلام همکاری کرده بودند، تشکر و قدردانی شد. سپس چندین فعالیت برای هر چه فعال‌تر کردن این مرکز مشخص و با تشکیل نشست خبری، جلسه‌ی مذکور به پایان رسید.

کرده و از نزدیک، دیدگاه آن‌ها را جویا شود و نیز بتواند برای روز ۲۱ فوریه، روز زبان مادری فعالیت و هماهنگی لازم را انجام دهد. در ادامه‌ی این نشست از احزاب و جناح‌هایی که به مناسبت تشکیل این مرکز پیام

نابودی جمهوری اسلامی ایران، احقاق دمکراسی و حقوق ملی در کردستان به بحث و گفتگو پرداخته شد. همچنین در این نشست تصمیم گرفته شد که مرکز مذکور باید، بنابر پرنسیپ‌های مشخص شده جناح‌های سیاسی را دعوت

کردستان ایران به سرپرستی "محمد نظیف قادری" حضور یافت. در نشست مذکور، علاوه بر بررسی مباحث و تصمیمات گرفته شده در نشست‌های قبلی، بر پرنسیپ و خطوط کلی همکاری‌ها تاکید و در باب

روز سه‌شنبه، هفدهم بهمن‌ماه ۱۳۹۶ شمسی، سومین نشست مرکز همکاری‌های احزاب کردستان در مقر رهبری "سازمان خبات کردستان ایران" برگزار شد. در این نشست، هیئتی از حزب دمکرات

بازداشت معاون سازمان محیط زیست و توطئه ایران در نابودی محیط زیست کوردستان

زاگرس - ارومیه، سنندج، کرمانشاه، ایلام، لورستان، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویر احمد - مجموعاً بیش از ۶۰ درصد منابع آبی زیرزمینی و روزمینی ایران را در اختیار دارند. حکومت‌های مختلف ایران چه در زمان پهلوی و چه حال در برنامه‌های متعددی به طور هدفمند سعی داشته و دارند که منابع آبی کوردستان را به نواحی بیابانی ایران منتقل کنند.

باورند که بازداشت ناگهانی تعداد قابل توجهی از فعالین زیست محیطی آن هم در سکوتی خبری، که بر رسانه‌های داخل و خارج ایران سایه افکنده، این نکته را متذکر می‌شود که این فعالین به اسنادی محرمانه در رابطه با سیاست‌های فاشیستی ایران در رابطه با انتقال منابع آبی به استان‌های مرکزی و نابود کردن هدفمند محیط زیست سرزمین ملیت‌های ایران به ویژه محیط زیست زاگرس، دست یافته‌اند. استان‌های هفت‌گانه‌ی

خبر مرگ همسرش را به او اعلام کرده‌اند. جمهوری اسلامی ایران طی دهه‌های اخیر بر اساس پرونده‌ای سیستماتیک، دست به ساخت سد و نیز انتقال منابع آبی کوردستان به شهرهای مرکزی و فارس‌زبان ایران زده که بنابر گزارشات متخصصان محیط زیست این برنامه‌ها، موجب نابودی زاگرس و تبدیل خاک حاصلخیز این سرزمین به بیابان می‌شود. در همین راستا، بسیاری از تحلیلگران سیاسی بر این

زیستی به اتهام جاسوسی خبر داد و اظهار داشت: این افراد در قالب اجرای پروژه‌های علمی و محیط زیستی نسبت به جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی کشور در حوزه‌های استراتژیک اقدام می‌کردند. همزمان با انتشار این خبر، رامین سید امامی در صفحه توئیتر خود خبر از مرگ پدرش، کاووس سید امامی از فعالین محیط زیست، در زندان داد و نوشت: دادسرای انقلاب تهران مادرش، مریم ممبینی را احضار کرده و به طور ناگهانی

زیست داشتیم از بازداشت کاوه مدنی سخن گفت. کاوه مدنی محقق محیط زیست و فارغ التحصیل در رشته مدیریت آب و محیط زیست امپریال کالج لندن است. او در سال ۲۰۱۵ از سوی اتحادیه علوم زمین اروپا (EGU) به عنوان یکی از چهار دانشمند جوان و برجسته در علوم زمین برگزیده شد. در همین رابطه جعفری دولت آبادی، دادستان تهران، روز شنبه بیست و یکم بهمن‌ماه، از دستگیری هفت فعال محیط

بعد از اعلام قتل یکی از فعالین محیط زیستی در زندان و نیز بازداشت دست‌جمعی فعالین دیگر، انتشار خبر بازداشت معاون سازمان محیط زیست ایران، به تیر اصلی رسانه‌ها بدل شد. محمود صادقی نماینده رژیم در مجلس، روز یکشنبه بیست و دوم بهمن‌ماه، طی انتشار توئیتی از بازداشت کاوه مدنی، معاون آموزش و پژوهش سازمان محیط زیست، خبر داد و نوشت: در تماسی که با رئیس سازمان حفاظت محیط

غیر مسلح را به قتل رساندند و همچنین تا کنون اخبار متعددی درباره قتل بازداشت‌شدگان بدست نیروهای امنیتی رژیم در زندان‌های ایران منتشر شده که مسئولین حکومتی مدعی هستند این افراد خودکشی کرده‌اند.

مؤسسه حیات وحش میراث پارسیان بود. کاووس از چهارم بهمن‌ماه در بازداشت به سر می‌برد. قابل ذکر است انتشار خبر قتل کاووس سید امامی همزمان با نشر خبر بازداشت تعداد دیگری از فعالین زیست محیطی در ایران می‌باشد. عباس جعفری دولت‌آبادی، دادستان عمومی و انقلاب تهران، روز شنبه بیست و یکم بهمن‌ماه، اعلام کرد چند متهم بازداشت شده‌اند که به ادعای او، در قالب اجرای پروژه‌های علمی و محیط زیستی نسبت به جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی کشور در حوزه‌های استراتژیک اقدام می‌کردند. بعد از خیزش ملیت‌های ایران و شکل‌گیری تظاهرات ضدحکومتی در هفتم دی‌ماه، نیروهای تروریستی رژیم ایران، با شلیک مستقیم به معترضان، ده‌ها نفر از مردم

نهادهای امنیتی طی تماس با خانواده‌ی یکی از فعالین محیط زیستی که دو هفته پیش بازداشت شده بود، مدعی شدند که این فعال زیست محیطی در زندان خودکشی کرده است. بنابر گزارشات منتشر شده، رامین سید امامی در صفحه توئیتر خود خبر داد که پدرش، کاووس سید امامی، دو هفته پس از بازداشت، در زندان درگذشته است و مقام‌های زندان نیز علت آن را خودکشی اعلام کرده‌اند. رامین همچنین در پست دیگری در اینستاگرام نوشت: دادسرای انقلاب تهران مادرش، مریم ممبینی را احضار کرده و به طور ناگهانی خبر مرگ همسرش را به او اعلام کرده‌اند. کاووس سید امامی، ۶۴ ساله و دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق و مدیرعامل

قتل یک فعال زیست محیطی در زندان جمهوری اسلامی ایران



رژیم ایران تاکنون نه تنها هیچ قدمی برای محافظت از آثار تاریخی بر نداشته‌اند بلکه عامل اصلی غارت و نابودی آثار تاریخی است.

که "ک-الف" اهل روستای سهلان مهاباد است و اکنون نیز در اداره میراث فرهنگی این شهر مشغول به کار است. بیشتر آثار تاریخی کوردستان به وسیله مهره‌های رژیم اسلامی ایران غارت می‌شوند و سپاه پاسداران رژیم اسلامی ایران یکی از اصلی‌ترین مافیای در بازرگانی آثار تاریخی است. کارشناس‌های باستان‌شناسی بر این عقیده‌اند که مسئولین

فرهنگی کوردستان دست داشته و با باندهای قاچاق آثار تاریخی همکاری دارند. خبرنگار وبسایت کوردستان میدیا در ادامه گزارش خود افزود: "الف-ش" و "ک-الف" دوکارمند اداره میراث فرهنگی شهر مهاباد و از مهره‌های رژیم هستند که در غارت آثار فرهنگی دست دارند. وبسایت کوردستان میدیا متذکر شد

غارت آثار تاریخی و باستانی مهاباد بدست اداره میراث فرهنگی این شهر

خبرنگار وبسایت کوردستان میدیا در این رابطه گزارش داد که دو کارمند اداره میراث فرهنگی شهرستان مهاباد، به نام های "الف-ش" و "ک-الف" در غارت و قاچاق میراث

وبسایت کوردستان میدیا، کارمندان اداره میراث فرهنگی شهر مهاباد، در سرقت و غارت آثار تاریخی دست داشته و با باندهای قاچاق آثار باستانی همکاری دارند.

اداره میراث فرهنگی رژیم اسلامی ایران در کوردستان، از عاملین اصلی غارت آثار تاریخی و باستانی این سرزمین است. بنابر گزارش رسیده به

مشخص نیست. او متذکر شد که: ایران و سوریه دارند با آتش بازی می‌کنند. دولت اسرائیل در مقابله با نفوذ ایران در منطقه و فعالیت‌های تروریستی و آشوبگرانه رژیم اسلامی، تنها به گزینه‌ی نظامی اکتفا نکرده بلکه مجموعه‌ای از فعالیت‌های دیپلماتیک را نیز آغاز نموده است. در همین رابطه دانی دنون سفیر اسرائیل در سازمان ملل عصر روز شنبه در نامه‌ای به اعضای شورای امنیت، از این نهاد خواست با محکوم کردن اقدام ایران، سریعاً به فتنه‌انگیزی‌های ایران پایان دهد. بر اساس گزارش آسوشیتدپرس، آقای دنون تأکید کرده که درستی هشدارهای اسرائیل در مورد ایران به اثبات رسیده و اسرائیل هیچگونه تقض حریم خود را تحمل نخواهد کرد.

ایران در سوریه هجوم برده و آن‌ها را نابود کند. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، هواپیماهای جنگی ارتش اسرائیل، دوزاده هدف در خاک سوریه را بمبارن کرده‌اند که شامل مواضع نیروهای ایران، اماکن استقرار ارتش سوریه و استحکامات حزب الله لبنان در سوریه است. جاناتان کاتریکاس، سخنگوی نیروهای مسلح اسرائیل، در این رابطه گفت: ایران مسئول تقض فاحش حاکمیت اسرائیل است، و نیروهای مسلح اسرائیل برای هر نوع واکنش آمادگی کامل دارند. سرتیب رونن منلیس یکی دیگر از سخنگویان ارتش اسرائیل نیز اظهار داشت: اقدامات ایران منطقه را با چالش خطرناکی روبرو کرده است، که پایان آن

طی کمتر از یک هفته، سوریه شاهد دو حمله‌ی نظامی اسرائیل به مقرهای تروریست‌های ایرانی و پایگاه‌های نظامی وابسته به رژیم اسلامی ایران بوده است. بعد از آنکه نیروی هوای اسرائیل، روز چهارشنبه هجدهم بهمن‌ماه، به منطقه‌ای نظامی در حومه‌ی دمشق هجوم برده و چندین پایگاه نظامی-تروریستی وابسته به ایران و سوریه را نابود کرد. رژیم ایران در اقدامی تحریک‌آمیز، مرز هوایی اسرائیل را نقض کرده و پهبادی را بر فراز آسمان اسرائیل به پرواز درآورد. این اقدام تحریک‌آمیز ایران موجب شد که نیروی هوای ارتش اسرائیل بار دیگر در روز شنبه بیست و یکم بهمن‌ماه، در اقدامی تلافی‌جویانه به اهداف نظامی-تروریستی

تلاش‌های نظامی و دیپلماتیک اسرائیل برای بیرون راندن ایران از سوریه



گذر از جمهوری اسلامی علل و عوامل



اکبر اسماعیل‌زاده

بفش اول

نظام" (۱) رفتار شده است و در شرایط خاص، سران رژیم بر اساس همان استراتژی یکی "جام زهر" نوشیده و دیگری از "نرمش قهرمانانه" پیروی کرده است. اما رفتار سیاسی جمهوری اسلامی در داخل و در سطح جامعه ایران بر عکس رفتار سیاست خارجی‌اش، بر اساس شعار "نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی" بوده است. بدین مفهوم که رژیم جامعه ایران را در شرایطی ایزوله قرار داده است.

جمهوری اسلامی، رژیمی توتالیتر است که توانسته جامعه تحت حاکمیت خود را به جامعه‌ای ایزوله تبدیل کند، جامعه‌ای که در آن تبادل اطلاعات به شدت کنترل می‌شود، اطلاعات در سطح وسیعی سانسور و تحریف می‌گردد و هر جریانی که مسبب آگاهی بخشی در جامعه باشد به عنوان "نفوذ فرهنگی" قلمداد می‌گردد و ممنوع اعلام می‌شود و کنترل آگاهی جامعه به سطحی رسیده است که علی‌خامنه‌ای رغبت عمومی مردم ایران به آموزش زبان انگلیسی را به عنوان یک ابزار برای ارتباط با جامعه جهانی به عنوان تهدید قلمداد می‌کند و بر همین اساس آموزش این زبان در سطح ابتدای ممنوع اعلام می‌شود (۲). در واقع سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر پایه "اوجب واجبات بودن حفظ نظام" بنیاد نهاده شده و سیاست داخلی بر اساس "نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی" بر نهاده شده است. نکته مهم این مساله در این است که رژیم جمهوری اسلامی در سطح روابط خارجی آماده است هر نوع امتیازی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای و حتی قدرت‌های منطقه‌ای بدهد تا از این طریق موجودیت خود را محفوظ کند، این رفتار از همان فرهنگ سیاسی ازدواج استعمار-استبداد سرچشمه می‌گیرد. سران جمهوری اسلامی بخوبی بر این مساله واقف هستند که آنچه مسبب تغییر رژیم در ۲۰۰ سال اخیر در ایران شده، قهر و تضاد رژیم‌های ایران با منافع ابرقدرت‌ها بوده و بر همین اساس برای رفع "شر" ابرقدرت‌های در چهار دهه گذشته، جمهوری اسلامی در روابط خود با جامعه جهانی بر اساس "اوجب واجبات بودن

حفظ نظام" رفتار کرده است. در عین حال سران جمهوری اسلامی در سیاست داخلی در چارچوب استراتژی "نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی" دو مساله را در سرلوحه کار خود قرار داده:

۱: تحقق کیانی هویتی به اسم "ملت ایران"
۲: تفسیر و تقلیل کلیه اندیشه‌ها براساس دیدگاه اسلامی
تلاش برای تشکیل "ملت ایران" به خیزش برای تشکیل "ملت-دولت" در دوران پهلوی اول برمی‌گردد، بعد از پهلوی اول تحقق پروژه سقط شده "ملت ایران" به سرلوحه تمامی جریان‌های سیاسی موجود در مرکز تبدیل شده است؛ پروژه‌ای که در ذات خود هم مسبب بازتولید استبداد در مرکز شده است و هم عاملی برای زینوساید و سرکوب بخش زیادی از مردم ایران. برای تبیین بیشتر این موضوع در اینجا می‌خواهم به دو مثال اشاره داشته باشم:

مثال اول:
عصر روز ۲۸ مرداد، کودتاچیان این روز را رستاخیز مردم می‌نامیدند و در تمامی ۲۵ سال پس از این روز حکومت پهلوی دوم و نیز رسانه‌های مربوط به آن کودتا را به عنوان روز "رستاخیز" تبلیغ کردند. پس از سقوط پهلوی دوم بلافاصله تحلیل‌گران سیاسی و تاریخی در ایران این موضوع را دوباره واکاوی کردند و اعلام نمودند آنچه در ۲۸ مرداد در سال ۱۳۳۲ روی داده، یک کودتا بوده و بعدها بر اساس اسناد تاریخی ثابت شد که این کودتا هم توسط یک دولت خارجی انجام پذیرفته است (۳). بعد از سقوط پهلوی دوم دیگر مساله رستاخیز بودن کودتا ۲۸ مرداد یک تحریف تاریخی محسوب می‌شود.

مثال دوم:

روز ۲ بهمن ۱۳۲۴ در مهاباد، جمهوری کوردستان بنیاد نهاده شد. روز ۲۶ آذر ۱۳۲۵ نیروهای نظامی ایران پس از نزدیک دو سال به مهاباد وارد شدند و مدتی پس از آن رئیس‌جمهور فقید کوردستان، زندیاد قاضی محمد، دستگیر شد و در تاریخ ۱۰ فروردین ۱۳۲۶ در مهاباد همراه دو تن از همزمانش اعدام شد، قبل از وی ۱۷ نفر دیگر از همراهان پیشوا قاضی محمد، توسط حکومت پهلوی دوم اعدام شده بودند. در جریان حضور مجدد ارتش ایران در مناطق تحت حاکمیت جمهوری یک ساله کوردستان ۵۲ نفر اعدام و کشته شدند و محمدرضا پهلوی در کتاب پاسخ به تاریخ مساله سرکوب کوردستان و آذربایجان را به عنوان یک خدمت خود به "تامین ارضی" ایران قلمداد می‌کند، بعد از سقوط پهلوی دوم باز تحلیل‌گران مرکزگرا علی‌رغم انتشار اسناد و مدارک در مورد جمهوری کوردستان سرکوب و کشتار کوردستان توسط حکومت محمدرضا پهلوی پس از ۲۶ آذر ۱۳۲۵ را یک تلاش برای "حفظ تمامیت

آخوندی ساقط کرد و در پس آن نیز حتی کسانی همچون خسرو گل‌سرخ برای تفسیر مبارزات خود از حادثه کربلا مایه گذاشتند. در چنین فضای از اندیشیدن و در آنچنان تاریخی است که خامنه‌ای یا را بیشتر می‌گذارد و از "علوم انسانی اسلامی" دم می‌زند.

اگر پس از این تبیین به مساله "نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی" برگردیم به کلی می‌توانیم درک کنیم که جمهوری اسلامی تلاش کرده است با استفاده از دو دیدگاه تاریخی-سیاسی موجود در ایران، جامعه را هدایت و ایزوله نماید و از برقراری ارتباط با دیگر جوامع بازدارد. نکته مهم در اینجا این است که در سطح جامعه دو دیدگاه فوق که در بین نخبه‌های ایرانی از اعتبار برخوردار بودند، مسبب آن شده است که استراتژی "اوجب واجبات بودن حفظ نظام" به آسانی قابل اجرا باشد و تنها هفت روز پس از ۲۲ بهمن، حاکمان تازه به دوران رسیده، کوردستان را ضد انقلاب قلمداد کردند و کشتار در آن را آغاز نمودند. طی سه سال پس از انقلاب، جریانات چپ و دیگر گروه‌های غیره اسلامی نیز به بهانه ضد اسلام بودن، از سپهر سیاسی ایران حذف شدند و بر پایه همان دو دیدگاه رژیم توانست استراتژی "نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی" را با تقیه موجود در آیین تشیع درآمیزند و حکومت جمهوری اسلامی را بنیاد نهد و ماندگار کنند. اما این تمام ماجرا نیست، استراتژی "نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی" در حلقه حاکمان رژیم را با مساله "کدام جمهوری اسلامی" روبرو کرد، جمهوری اسلامی همچنان که از اسمش پیدا است در تضاد دوگانه قرار دارد. جمهوری و اسلامیت در یکی مردم سرچشمه قدرت هستند و در دیگری خالق سرچشمه قدرت است و مردم رعیت و فرمانبر، هرچند جمهوری را که یک

اندیشه غربی‌ست بر پایه آیات قرآنی همچون "وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ" تفسیر کردند، اما این مساله مسبب آن نشده است که ارگان‌های انتخابی (نماد جمهوریت رژیم) با ارگان‌های انتصابی (نماد اسلامیت رژیم) در مقابل هم قرار نگیرند. در واقع استراتژی "نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی" تناقض درونی رژیم را به تقابل درونی رژیمی تبدیل کرد و از آنجا کلیت رژیم بر این عقیده بوده و هست که در سیاست خارجی باید استراتژی "اوجب واجبات بودن حفظ نظام" را رعایت کند.

پس در عمل باید گفت، امکان گذر از جمهوری اسلامی از طریق نیروی خارجی امکانی‌ست خیالی، چون آنچه جمهوری اسلامی دشمن خود در جامعه جهانی می‌پندارد و تاکید بر دشمنی با آن دارد، در واقع این دشمنی در راستای کنترل بیشتر جامعه ایران است و دشمنی نیز کاملاً یک طرفه بوده و براساس تاریخ تحولات چند دهه اخیر، هرگاه ایران از دشمنی دست بکشد طرف مقابل نیز روی خوش به جمهوری اسلامی نشان می‌دهد. پس باید گفت گذر از جمهوری اسلامی اولین قدمش از داخل و در جامعه ایران باید برداشته شود.

در شماره بعدی به بررسی مساله آغاز مجدد گذر از جمهوری اسلامی خواهیم پرداخت.

۱: <http://www.ziaossalehin.ir/fa/666/content>

۲: <http://www.bbc.com/persian/42596891-iran>

۳: <http://www.bbc.com/persian/40297652-iran>

۴: ماشاله آجودانی، مشروطه‌ی ایرانی، ص ۴۰، ج ششم، زمستان ۱۳۸۴، تهران

۵: قرآن مجید، سوره شورا، آیه ۲۸

سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا:

ایران بارزترین دولت حامی تروریسم است

نظامی در عرصه عملیاتی را به دستاوردهایی برای توافقات سیاسی، امنیتی و اقتصادی تبدیل کند.

این گزارش همچنین به شرایط داخلی ایران نیز اشاره کرده و متذکر می‌شود که سیاستمداران میانه‌رو و تندروی ایران در راستای اجرای سیاست‌های مد نظر خود برای آینده ایران، به شکلی فزاینده با یکدیگر درگیری خواهند داشت.

در بخش دیگری از گزارش سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، به مسائل نظامی و موشکی ایران پرداخته شده و تاکید می‌کند که: جمهوری اسلامی بزرگترین زرادخانه موشک‌های بالیستیک در منطقه خاورمیانه را در اختیار دارد و این رژیم در آینده به توسعه و ارتقا طیفی از توانمندی‌های نظامی خود برای هدف قرار دادن تجهیزات نظامی آمریکا و متحدانش در منطقه ادامه خواهد داد.



در این گزارش آمده است: ایران بارزترین دولت حامی تروریسم است که مشاوره، کمک مالی، تجهیزات پیشرفته و تاکتیک‌های جدید به گروه‌های تروریستی در سراسر خاورمیانه ارائه می‌کند.

همچنین گزارش مذکور به تلاش‌های ایران برای سواستفاده از جنگ‌های داخلی خاورمیانه اشاره کرده و می‌افزاید: این کشور می‌کوشد از نبرد با داعش برای تحکیم موقعیت شرکایش بهره‌برداری کرده و پیروزی‌های

نهادهای اطلاعاتی آمریکا در گزارش سالانه‌ی خود بر تهدید ایران تمرکز کرده و نقش حمایتی این رژیم از سازمان‌های تروریستی را آشکار ساختند. بنابر گزارشات منتشر شده، روز سه‌شنبه بیست‌وچهارم بهمن‌ماه، مدیران ارشد جامعه اطلاعاتی آمریکا، از جمله رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، سی‌آی‌ای، و مدیر اطلاعات ملی آمریکا، گزارش سالانه‌ی خود را به سنای آمریکا ارائه دادند.

افزایش فشارها بر ایران

گزارش: مانشت گوران



چنین توافقی‌هایی که نظام‌های غیردمکراتیک با جامعه جهانی انجام می‌دهند اصولاً تنها به منظور کنترل یک عامل و یا فاکتور مشخص مانند پرونده هسته‌ای آن کشورها انجام می‌شود و هیچگاه ماهیت روابط آن‌ها را دچار تحول نخواهد کرد. این روند از قضا در دراز مدت می‌تواند باعث فروپاشی این نظام‌ها شود، چنانکه در عراق و لیبی شاهد بودیم که حمله یا فروپاشی اصولاً زمانی انجام گرفت که این نظام‌ها یا تسلیم فشارهای بین‌المللی شده بودند و یا قبلاً با جامعه جهانی توافقاتنامه‌هایی امضا کرده بودند.

لذا به نظر می‌رسد که اگرچه غرب اکنون در وضعیت رویارویی مستقیم نظامی و اقتصادی نیست اما روند کلی همچنان بر منوال قبل است و ایران تنها توانسته از یک تقابل مستقیم، به قیمت به عقب‌نشینی از برنامه هسته‌ای خود، جلوگیری نماید. اکنون ایران در وضعیتی قرار دارد که خود را در سر دو راهی سختی می‌بیند، هرگونه کوتاه آمدن ایران در مقابل غرب نه تنها هیچ تغییری در وضع موجود به وجود نخواهد آورد

بلکه احتمالاً باعث خواهد شد که رویارویی بنیادین ایران با غرب به حوزه‌های دیگر کشیده شود و با پایین آمدن بنیه دفاعی نظام، هزینه هرگونه رویارویی نظامی با ایران برای طرف غربی کاهش پیدا کند. اما از سوی دیگر در صورت کوتاه نیامدن نیز فشارهای اقتصادی افزایش پیدا کرده که این به نوبه خود هم برنامه‌های ایران در منطقه را با مشکلی اساسی روبرو خواهد کرد و هم رژیم را در برابر فشارهای داخلی آسیب‌پذیرتر می‌نماید.

از سوی دیگر، با توجه به صحبت‌های مکرون و روند فعلی باعث می‌شود که عملاً و بدون آنکه برجام از میان برداشته شود بخش زیادی از منافع که می‌بایست از طریق سرمایه‌گذاری‌های خارجی و در نتیجه برجام عاید ایران بشود غیرممکن شده لذا برجام یا توافق هسته‌ای از نقطه‌نظر ایران بی اثر و بی فایده می‌شود. اصولاً در دنیای سرمایه، آرامش و امنیت دو فاکتور بسیار مهم جهت تولید یک فضای مناسب برای رشد و نمو می‌باشند. صحبت‌های رهبران جهان و همراهی آن‌ها با ترامپ برای افزایش فشارهای

و از همه مهتر نرخ و شتاب رشد آن نشان از این واقعیت است که تبادل ایران با جامعه جهانی به حدی ناچیز است که هرگونه تغییر کوچکی در عرصه سیاست و معاملات می‌تواند تا حد بسیار بالایی نرخ ارز را تحت تاثیر قرار دهد. صحبت‌های مکرون و رویکرد جدید او می‌تواند این روند را برای ایران بدتر نماید. اما در چنین شرایطی آنچه اهمیت دارد این است که رژیم سیاسی ایران توانسته با کنترل افکار عمومی از طریق شیوه‌های تبلیغات گویلیزی و پراکندن ترس از سوری‌های شدن در میان مردم، چارچوب پوسیده استبداد خود در ایران را کماکان سرپا نگاه دارد. اکنون اما شرایط اقتصادی

اقتصادی باعث کم شدن تمایل سرمایه‌گذاری خارجی و معامله با ایران می‌شود. اصولاً در حال حاضر معاملاتی که با ایران در حال انجام هستند به هیچ عنوان نمی‌توانند به توسعه اقتصادی ایران کمک کرده و نیازهای اساسی جامعه ایران برای سرمایه‌گذاری خارجی را برآورده سازند. شاید امسال و سال گذشته به دلیل اینکه ایران پس از مدتی اجازه فروش نفت پیدا کرده است، شاهد افزایش نرخ رشد اقتصادی قابل توجهی در ارقام و اعداد باشیم اما این مساله به هیچ عنوان نشانه‌ای از افزایش مبادلات متفاوت و بهتر شدن وضع اقتصادی در ایران نیست. افزایش چشمگیر و بی رویه قیمت ارز در ایران

و افزایش نارضایتی‌های داخلی از همه جناح‌های حاکم در ایران و همچنین وضعیت بین‌المللی، شرایطی را به وجود آورده که مترصد بهره‌برداری شدن از سوی یک ابوزسیون قوی هستند. اکنون زمان آن فرا رسیده که این نارضایتی‌های گسترده که حتی داخلی‌ترین بخش بدمه نظام را در بر گرفته را درک کرد، آن را فهمید و به آن سازمان و هدف داد. این امر زمانبر است و مستلزم درکی استراتژیک است. اما آنچه در کوردستان بیش از پیش اهمیت دارد تقویت توان تشکیلاتی حزب دمکرات کوردستان ایران و نوسازی این تشکیلات، هم در فرم و ساختار و هم در مبانی تئوریک آن است.

یکی از هواپیماهای این کشور به یکی از بهترین خبرهای مرتبط به سوریه بدل شد. این مساله از آن جهت حائز اهمیت است که بیانگر پیچیدگی غیرقابل تصور وضعیت سوریه می‌باشد. در این گزارش سعی می‌شود خوانش و تفسیر تحلیلگران و کارشناسان از این مساله مورد بررسی قرار گیرد. در گزارش مفصلی که موسسه خاورمیانه در آمریکا منتشر نموده کارشناسان مختلفی در این زمینه اظهار نظر نموده‌اند. چارلز لیستر، تحلیلگر ارشد در موسسه خاورمیانه معتقد است که سرنگونی هواپیمای اسرائیلی نقشه از پیش طراحی شده توسط سپاه پاسداران در ایران است که ابتدا با فرستادن یک پهپاد به داخل خاک اسرائیل نیروهای هوایی این کشور را وادار به عکس‌العمل نموده و خود که از قبل در کمین نشسته بودند با شلیک بیش از ۲۴ موشک که در نوع خود حجم بی سابقه از آتش برای چین هدفی است هواپیمای اسرائیلی را سرنگون کرده‌اند. این تحلیلگر معتقد است که اگر چه این رویارویی به نوبه خود عاملی در جهت تشدید بحران سوریه است اما جواب اسرائیل در این رویارویی نیز جوابی بی سابقه بوده و نیروی هوایی اسرائیل در بزرگترین عملیات خود از سال ۱۹۸۲ به این سو توانسته نیمی از توان هوایی سوریه را از بین ببرد.



در هفته گذشته، خبر حمله هوایی اسرائیل به نقاطی در سوریه و همچنین سرنگونی

آرش مناع

عملیات هواپیماهای اسرائیلی در سوریه و تفسیرهای پیرامونی

به گفته این کارشناس ارشد موسسه خاورمیانه اسرائیل و واکنش اسرائیل دو پیامد یا نتیجه اصلی را در پی داشته اول اینکه این حمله نشان داد که ادعاهای پیشین در مورد پرهزینه بودن عملیات هوایی در مقیاس بزرگ و منطقه پرواز ممنوع بر فراز سوریه کاملاً بی اساس هستند و دوما این حملات باعث شده‌اند که سوریه نیمی از توان دفاعی هوایی خود را از دست داده و در این زمینه بیشتر به روسیه متکی خواهد بود و روسیه نشان داده که هیچ علاقه‌ای به روبرو شدن با هواپیماهای آمریکایی و اسرائیلی ندارد. لذا به گفته این کارشناس نقشه سپاه نه تنها نتوانست باعث برتری سوریه بشود بلکه مواضع آن را بیش از پیش تضعیف کرد.

در تحلیلی که متخصص امور دفاعی این موسسه نیز ارائه کرده است آمده که اساساً این رویارویی به هیچ عنوان نمی‌تواند نشان از توان و کارایی نظامی باشد بکه برعکس این واقعیت که براساس یک هواپیما بیش از ۲۰ موشک به سوی آن شلیک می‌شود کاملاً نشان از ناتوانی این سیستم دفاع هوایی است. به گفته این کارشناس، اما این رویارویی خواسته ایرانی‌ها بوده که بتوانند قواعد جدید بازی را در سوریه به اسرائیلی‌ها دیکته کنند. این کارشناس معتقد است

ساقط شده اسرائیلی دستاورد تبلیغاتی بزرگی برای ایران و سوریه است و از سوی دیگر با از بین رفتن نیمی از توان دفاعی سوریه این احتمال که اسرائیل به حملات خود در سوریه ادامه دهد بیشتر خواهد بود.

دیوید مکوسکی مدیر پروژه صلح خاورمیانه در موسسه واشینگتن با اشاره به اینکه هم اکنون حزب‌الله متحد ایران در منطقه با یکصد هزار موشک که به سوی اسرائیل هدف گرفته‌اند خطر بزرگی را متوجه اسرائیل می‌کنند به همین دلیل اسرائیلی‌ها این مساله را صریحاً بیان کرده‌اند که آن‌ها نمی‌توانند حضور ایران را در مرزهای خود با سوریه تحمل کنند. این تحلیلگر معتقد است که ایران بیش از پیش مصمم است که نقش خود در سوریه را افزایش دهد و همین مساله اسرائیل را به سوی رویارویی سوق می‌دهد که در نهایت این وضعیت به تشدید بحران می‌انجامد. مکوسکی معتقد است که عملیات اسرائیل نه تنها برای دمشق و تهران بلکه برای کاخ سفید و کرم‌لین نیز پیام‌هایی داشته است. این پژوهشگر با اشاره به عدم وجود شواهد برای تمایل آمریکا برای ورود عملی به این قضیه معتقد است که بی‌عملی آمریکا باعث خواهد شد که این تنش‌ها افزایش پیدا کرده و وضعیت بدتر بشود.

که رویارویی ایران و اسرائیل در سوریه اجتناب‌ناپذیر است اما آنچه در زمین ترسناک به نظر می‌آید عدم حضور آمریکا در این رویارویی است. در گزارشی از جزئیات این رویارویی که توسط موسسه بروکینگز منتشر شده، "دو درور میچمان" و "پاتل میزراهی" دو تحلیل گر این موسسه مدعی شده‌اند که پس از اینکه اسرائیل در نهایت برای اولین بار در تاریخ یک پایگاه ایرانی را در سوریه مورد هدف قرار داده است اکنون مسائل آراوتر شده و به نظر می‌رسد طرفین یعنی ایران و اسرائیل به روشنی پیام‌های همدیگر را دریافت کرده‌اند. به گفته این کارشناسان مساله این است که اسرائیل بارها این نکته را تکرار کرده که حضور ایران در سوریه را تحمل نخواهد کرد و از سوی دیگر ایران نیز که کاروان‌های کمک‌های تسلیحاتی خود را به حزب‌الله مدام در معرض تهدید می‌بیند به سوریه نیاز دارد که بتواند در آنجا کارخانه‌های اسلحه‌سازی خود را برای فراهم کردن سلاح برای حزب‌الله توسعه دهد. این کارشناسان معتقدند که ایران در سوریه توانایی پذیرش ریسک بیشتری در مقایسه با داخل ایران یا لبنان دارد به همین دلیل مصمم است که به استراتژی خود ادامه دهد. در نتیجه این دو کارشناس اذعان می‌دارند که تصاویر هواپیمای

به گفته این کارشناس ارشد موسسه خاورمیانه اسرائیل و واکنش اسرائیل دو پیامد یا نتیجه اصلی را در پی داشته اول اینکه این حمله نشان داد که ادعاهای پیشین در مورد پرهزینه بودن عملیات هوایی در مقیاس بزرگ و منطقه پرواز ممنوع بر فراز سوریه کاملاً بی اساس هستند و دوما این حملات باعث شده‌اند که سوریه نیمی از توان دفاعی هوایی خود را از دست داده و در این زمینه بیشتر به روسیه متکی خواهد بود و روسیه نشان داده که هیچ علاقه‌ای به روبرو شدن با هواپیماهای آمریکایی و اسرائیلی ندارد. لذا به گفته این کارشناس نقشه سپاه نه تنها نتوانست باعث برتری سوریه بشود بلکه مواضع آن را بیش از پیش تضعیف کرد.

در تحلیلی که متخصص امور دفاعی این موسسه نیز ارائه کرده است آمده که اساساً این رویارویی به هیچ عنوان نمی‌تواند نشان از توان و کارایی نظامی باشد بکه برعکس این واقعیت که براساس یک هواپیما بیش از ۲۰ موشک به سوی آن شلیک می‌شود کاملاً نشان از ناتوانی این سیستم دفاع هوایی است. به گفته این کارشناس، اما این رویارویی خواسته ایرانی‌ها بوده که بتوانند قواعد جدید بازی را در سوریه به اسرائیلی‌ها دیکته کنند. این کارشناس معتقد است

یادگیری و تقویت، زبان " مادری " یک حق است



سوران شمسی

"زبان" با گویندگانش زنده است و زبان مادری که یکی از مولفه‌های اصلی هویت و کرامت انسانی است و رشد و پرورش آن حق مسلم و طبیعی هر بشری شمرده می‌شود. اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ انسانی و حق بشری پیدا می‌کند. به باور آگاهان حقوقی و زبان‌شناسان شناخت زبان مادری یکی از ملزومات

زبان، بازتاب‌دهنده فرهنگ مردمی است که به آن زبان سخن می‌گویند، نماینده هویت آن‌هاست و دنیای آن‌ها را آن‌طور که "بوده" و "هست" و یا آنگونه که "باید" باشد، تشریح می‌کند. در اینجا است که این باور شکل می‌گیرد که

مانند یک شعار تبلیغاتی بوده است و نه به مثابه تامین یک حق طبیعی و انسانی- به آن عمل نشده است. آنچه در این راستا قابل یادآوری می‌باشد این است که در طول چند دهه نسبت به زبان‌های مادری ضربه‌های جبران‌ناپذیری از طریق حکومت وارد شده است و حتی با کارهایی و ممانعتی که رژیم بوجود آورده است کمترین حقی که یک انسان باید داشته باشد را گرفته است. زبان مادری حق هر انسانی است ولی متأسفانه در جمهوری اسلامی اجرا نشده است و حتی با موانعی که بوجود آمده و جوی که در ایران وجود دارد و فشارهایی که از در طریق حکومت وجود دارد ابتدایی ترین حقوق هر انسانی که حرف زدن با زبان مادری است سلب شده است.

مصوب سال ۱۹۹۶ در ۵۲ ماده، بندهای سه گانه منشور زبان مادری تهیه و تصویب شده توسط سازمان یونسکو (مکلف شده‌اند تا با بوجود آوردن شرایط و امکانات لازم و حمایت‌های مورد نیاز، دسترسی افراد را به این حق تسهیل نمایند و منظور از تعهدات منفی نیز تعهداتی است که دولت‌ها را از تجاوز و تعدی به آن منع می‌نماید. متأسفانه جمهوری اسلامی در رعایت منشور ملل متحد و تمامی میثاق‌های بین‌المللی و اعلامیه جهانی حقوق بشر که به آن ملحق گردیده، عمل نکرده است و حتی کاری کرده است که زبان مادری به عنوان جرم محسوب شود و در راستای تقویت فرهنگ و زبان‌های ملی، به حمایت و تقویت زبان‌های مادری در کشور نیز- فقط

زبان مادری" آنست که می‌خواهد اهمیت زبان مادری بیشتر مورد توجه قرار گیرد و هر انسانی حق داشته باشد که زبان مادری خود را از طریق مراکز و برنامه‌های تعلیمی فراگیرد. به همین دلیل نیز در چندین اعلامیه تهیه شده از سوی مراجع بین‌المللی ضمن تصریح به حقوق اشخاص در آموزش زبان مادری خود، تعهدات مثبت و منفی دولت‌ها نیز در شناسایی این حق مورد تصریح و تاکید قرار گرفته است. منظور از تعهدات مثبت تعهداتی است که دولت‌ها بر اساس این معاهدات و اعلامیه‌ها (ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق کودک، اعلامیه حقوق اقلیت‌های قومی، ملی، مذهبی و زبانی ماده ۴، بندهای ۳ و ۴، اعلامیه جهانی حقوق زبانی

انسانی است و هر انسانی برای شناخت خود و ریشه خود و نیز برای رشد خود باید با زبان مادری خویش نه تنها آشنا باشد بلکه در شناخت و یادگیری آن بکوشد. به تعبیر دقیق‌تر از منظر حقوق شهروندی از آن جایی که زبان مادری اولین ابزار ارتباط هر فرد با جهان بیرونی است و نیز نخستین ابزار بیان احساسات و عواطف و زبان اندیشیدن و آرزوهاست، آموزش به زبان مادری حق مسلم هر شهروند محسوب می‌شود. بدین جهت سازمان ملل متحد با تاکید بر این مهم در سال ۱۹۹۹، ۲۱ فوریه را روز جهانی "زبان مادری" نام‌گذاری کرد و از سال ۲۰۰۰ به بعد، این روز در سراسر جهان، هر ساله گرامی داشته می‌شود. هدف عمده یونسکو از نام‌گذاری چنین روزی بنام "روز جهانی

کردستان سرودی بر تارک آفرینش



امان فیلی

هرگز از این بودن‌شان برای خود به نوایی رسیده‌اند. رواق منازل‌شان همواره باز و نان‌شان را با دیگران همیشه تقسیم کرده‌اند و مادامی‌که کیفیت و انصاف، آن‌ها را می‌نگری فراتر از یک سرو گردن در امور مختلف از مردمان جهان بالاتر هستند، البته نه به عنوان برتری نژادی و واژه‌های دیگری که امروزه به جهت رشد ادبیات سیاسی مد شده، بلکه به دلیل فضیلت‌های اخلاقی و ذاتی نشأت گرفته از شاخصه‌های فرهنگی که در میان آن‌ها با هر لهجه‌ای وجود داشته و دارد و این مهم در عصر نوین آن را با عنوان برابری و حقوق بشر می‌شناسند.

خود به نوایی رسیده‌اند. رواق منازل‌شان همواره باز و نان‌شان را با دیگران همیشه تقسیم کرده‌اند و مادامی‌که کیفیت و انصاف، آن‌ها را می‌نگری فراتر از یک سرو گردن در امور مختلف از مردمان جهان بالاتر هستند، البته نه به عنوان برتری نژادی و واژه‌های دیگری که امروزه به جهت رشد ادبیات سیاسی مد شده، بلکه به دلیل فضیلت‌های اخلاقی و ذاتی نشأت گرفته از شاخصه‌های فرهنگی که در میان آن‌ها با هر لهجه‌ای وجود داشته و دارد و این مهم در عصر نوین آن را با عنوان برابری و حقوق بشر می‌شناسند.

انسان‌هایی بر این کوهی خاکی وجود دارند که از همه چیز برخوردار هستند اما خود از آن همواره بی‌بهره بوده و تاکنون هستند. اغراق نیست گر گفته شود که هم سن تاریخ هستند، چنانچه جای‌شان نه در آن می‌شود به بزرگی و نه

نام گیرند. اما گویا زندگی دراماتیک کورد و کردستان سر پایان نمی‌خواهد داشته باشد، چنانکه این روزها در انتظار مجامع جهانی، آنان را در عفرین به خاک و خون می‌کشند و خان عثمانی بر اجسادشان سرود شادمانی خوانده و ابراز قدرت می‌نماید، در حالی همین دلاوران کورد بودند که در صحنه‌های شکست ادبار و سیاهی سرداران سپاه اسلام حضور داشتند. این‌سوتر خلیفه‌ی تهران هم مردم زلزله‌زده‌ی کورد را در قحط‌سالی و فقر قرار داده و کرکوک را به میدانی برای حذف کوردها توسط دسته‌ای دیگر از سپاهیان اسلام مبدل کرده است. به راستی چه ظلمی بالاتر از این که مردمانی با معیارهای اصیل انسانی به جای حق داشتن یک زندگی نرمال، برای چگونه مردن آن‌ها را در زندان زور تمامیت‌خواهی و عقده قرار داده‌اند، آنچنان مرگ در سریل‌ذهاب بسیار تلخ‌تر از عفرین دیده می‌شود، گرچه حلیچه نماد پایداری کوردستان است و کورد هر بار بسان ققنوس از خاکسترخود برخاسته و باز خواهد برخاست. (کس نه‌لی کورد مردوه، کورد زیندوه)

از چه کسانی سخن رفت، اینها مردمان کورد هستند که با تمام خصوصیات حقیقی درخور یک انسان متجدد، تا بوده و بوده ظلم و تحقیری نبوده که از جوانب گوناگون به آن‌ها روا نداشته باشند، بدون اینکه آن‌ها در تاریخ وجودی‌شان به کسی ستم و آزاری روا داشته باشند. حلقه‌ای گمشده که خود کوردها هم از آن حیرت‌زده و از چرایی آن درمانده شده‌اند که به چه جرمی؟ چنانچه نه خاک، بلکه خانه‌های‌شان را نیز حق آن‌ها نمی‌دانند و همواره در رنجی مضاعف توسط حاکمان‌سیاسی قرار گرفته‌اند تا آنجا که در صدد نسل‌کشی آن‌ها نیز برآمده‌اند. برای دریافت رفتارهای ضدانسانی علیه کوردها نیازی به تقب زدن تاریخ نیست، تنها کافی‌ست سه دهه‌ی اخیر تا کنون را سرانگشتی ورق زیند تا مشاهده‌کنید با این مردم صادق چه‌ها نرفته است، از ترور رهبران سیاسی، تا زنده‌بگوری کودکان، تا شیمیایی و انفال در بودن‌ها یافت می‌شود، اما هنوز مرهمی بر این دردهای گران‌جان کوردستان پیدا نشده است تا بی‌پناه‌ترین مردمان دنیا در کنار مظلومیت‌شان

راستای حقوق‌مدنی - اجتماعی داراست. رقص‌شان نمادبرابری و همبستگی‌ست، یک زن و یک مرد در کنار هم و دست در دست یکدیگر همواره میبینان امر است و لباس‌های‌شان از سرزندگی و شادی و طبیعت حاکی‌ست. سخت‌کوشی لاینفک‌آن‌هاست برای یک زندگی شرافتمندانه در مبارزه‌ای جوانمردانه که در ذات آن‌هاست. عشق و احترام و بزرگ‌بزرگ‌جسته‌ی این مردم است و کسانی‌که با آن‌ها ابتدایی‌ترین مرادوه را داشته بر این امر صحنه می‌گذارند. در هیچ جای ادبیات دنیا نخواهید دید که شعر و ادب و آوازش در ستایش‌نشان تا این حد جاری و ساری باشد که بی‌گمان نشان از احترامی‌ست که برای آن نیم دیگر خود قائل هستند بسان الهی آفرینش، که حتی دوشادوش هم در سختی‌ها و شادی‌ها همراه یکدیگر می‌باشند. باری، حتما با این توضیحات کوتاه باید متوجه شده باشید

ابراز انزجار فعالین مدنی در کردستان از صدور حکم اعدام برای فعالان کورد



رامین حسین‌پناهی و هدایت عبدالله‌پور هستند. طی مدت اخیر، شعبات دادگاه انقلاب حکومت ایران در کردستان، رامین حسین‌پناهی و هدایت عبدالله‌پور، دو زندانی سیاسی کورد مجبوس در زندان‌های سنندج و ارومیه را به اتهام "بغی، اقدام علیه امنیت ملی و عضویت در احزاب کورد اپوزیسیون حکومت ایران" را به اعدام محکوم کرده‌اند. به گفته حسین احمدی‌نیاز،

رامین حسین‌پناهی و هدایت عبدالله‌پور هستند. طی مدت اخیر، شعبات دادگاه انقلاب حکومت ایران در کردستان، رامین حسین‌پناهی و هدایت عبدالله‌پور، دو زندانی سیاسی کورد مجبوس در زندان‌های سنندج و ارومیه را به اتهام "بغی، اقدام علیه امنیت ملی و عضویت در احزاب کورد اپوزیسیون حکومت ایران" را به اعدام محکوم کرده‌اند. به گفته حسین احمدی‌نیاز،

فعالین مدنی کردستان در حرکتی نمادین انزجار خود را از صدور حکم اعدام برای فعالین مدنی کردستان اولین حرکت مدنی را به منظور اعلام انزجار از صدور حکم اعدام برای فعالان کورد آغاز و خواهان لغو احکام اعدام آنها می‌باشند. این فعالین مدنی این حرکت نمادین را با شعار "نه به اعدام، بله به زندگی" آغاز و خواهان لغو احکام اعدام

کردستان، نقطه کور سازمان‌های حقوق بشری

تنظیم: شهرام میرزائی

جهان در حالی وارد سال جدید میلادی شد که بنابر گزارش سالانه "خانه‌ی آزادی"، ۷۱ کشور در سال گذشته با افول و زوال آزادی و نابودی بنیادها آن روبرو بوده‌اند. روالی که در یک بازه‌ی زمانی ۱۲ ساله یعنی از سال ۲۰۰۶، آغاز شده و طی آن مردمان ۱۱۳ کشور جهان با زوال و نابودی بنیادهای آزادی روبرو بوده‌اند. در واقع جهان ما در این سال‌ها به سوی افقی امیدوارکننده و روشنائی‌بخش حرکت نکرده بلکه بلعکس، به سوی تاریکی و خفقان و نابودی رویای انسانی زیستن گام برداشته است.

اما در این میان بودند و هستند مردمان و سرزمین‌هایی که نه در طول این دوازده سال، بلکه قرن‌هاست در فضایی ملامال از سرکوب و خفقان و رعب و ترور زندگی می‌کنند و در این میان کوردها، نمونه‌ی بارز این مساله هستند. ملت کورده نه تنها در آرزوی رسیدن به آزادی، مبارزه‌ی بی‌امانی را قرن‌هاست ادامه می‌دهد بلکه در این کارزار نابرابر نیز از کوچکترین حمایت‌ها محروم بوده و همیشه در خارج از مباحث جهان در باب آزادی و برابری قرار داشته است. از آن جهت که کوردها، به ویژه بعد از تاسیس جمهوری کردستان در بهمن ۱۳۲۴ شمسی، به صورت جریانی منسجم و بر اساس اصول مبارزه گروهی، سازمانی و

حزبی به مقابله با فاشیسم حاکم بر ایران پرداخته‌اند، با شدیدترین نوع واکنش از سوی حکومت تهران روبرو بوده و رژیم‌های ایران نیز برای ایجاد رعب و وحشت در سراسر این کشور از سرکوب، کشتار و اعدام کوردها بهره برده تا از این طریق بتوانند ترس و هراس را در سراسر ایران حاکم کرده و مانع از گسترش اعتراضات شوند.

کشتار معترضین در شهرهای کردستان و زاگرس در همان روزهای اولیه اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶ شمسی و شلیک مستقیم به مردم در تویسرکان، کرماشان، ایلام، خرم‌آباد، دورود، دزفول، ایذه و مسجد سلیمان آخرین نمونه از این واقعیت تلخ است که با سکوت شگفت‌آور نهادهای حقوق‌بشری روبرو بود. نهادها و سازمان‌هایی که حتا در مورد کشتار بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر کمترین توجه را صرف اخبار کردستان کرده و تمام تمرکز خود را تنها بر شهرهای مرکزی ایران متمرکز نمودند.

سارو قهرمانی، کیانوش زندی، حسین قادری، خالد قیصری و آرام معاذی تنها نام تعدادی از فعالین کورد است که در بازداشتگاه‌های جمهوری اسلامی ایران به دست نیروهای امنیتی و اطلاعاتی به قتل رسیده‌اند در حالی که "کمین حقوق بشر در ایران" با انتشار بیانیه‌ای تنها خواستار تحقیق در مورد معترضان جان‌باخته در زندان‌های تهران شده است و

به ذکر اسامی جان‌باختگان در تهران و اراک اکتفا کرده است. البته این تنها نمونه‌ی کوچکی از نادیده گرفتن نقض فاحش حقوق بشر در کردستان از سوی سازمان‌های حقوق بشری ایرانی طی اعتراضات اخیر در کردستان و زاگرس می‌باشد. بازداشت صدها زن در مسجد سلیمان که تنها جرمشان نسبت فامیلی با معترضین بود و نگهداری آن‌ها در کمپ‌های ترک اعتیاد به مدت چندین روز از نمونه‌های دیگر نقض حقوق بشر در جریان اعتراضات اخیر بود که از سوی سازمان‌های حقوق بشری، کوچکترین اشاره‌ای به آن نشد.

اینکه بازداشت یا تهدید یکی از فعالین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فارس‌زبان و ساکن استان‌های مرکزی ایران و یا دو تابعیتی‌ها، با واکنش سریع سازمان‌های حقوق بشری ایرانی و بین‌المللی روبرو می‌شود به امری عادی بدل شده، واقعیتی غیرقابل انکار که می‌توان با بررسی مختصر تاریخچه و نحوه‌ی عملکرد این سازمان‌ها به آن پی برد. واقعیتی که هر انسان ناظر و ریزینی را دچار این سوال می‌کند که آیا کوردها در بازنه تعریف "حقوق بشر" قرار نمی‌گیرند؟ آیا این سازمان‌ها نباید نسبت به هرگونه نقض حقوق بشری در بخش‌های مختلف ایران از خود حساسیت و واکنش نشان دهند؟ چه عاملی باعث می‌شود تا سازمان‌های و نهادهای حقوق بشری، در گزارش‌ها و بیانیه‌های خود نام ملیت‌های

ایران از جمله کوردها را از قلم بیاندازند؟! اگر حکومت‌های حاکم بر ایران طی ادوار مختلف تاریخی، با هدف محو کردن کامل کوردها از صحنه‌ی تاریخ از هیچ تلاشی دریغ نکرده و با سرپوش نهادن بر تمام فجایع اعمال شده بر این سرزمین و حتا سانسور اخبار مرتبط با بلاهای طبیعی، تمام توان خود را در راستای اجرائی کردن برنامه‌های شوم خود بسیج کرده‌اند، نباید دچار شگفتی شویم چرا که ذات حکومت‌هایی همچون جمهوری اسلامی و یا نظام شاهنشاهی ایران چیزی غیر از این را نمی‌طلبد. در واقع زمانی آدمی دچار شگفتی و افسوس می‌شود که جنایت‌های اعمال شده بر کوردها از سوی افراد، سازمان‌ها و نهادهای حقوق‌بشری و مدافع آزادی و برابری، به خارج از گود مباحث پرتاب شده یا در بهترین حالت در حاشیه‌ی گفت‌وگوها قرار می‌گیرد.

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد از سال ۱۹۸۴ تا کنون، برای پیگیری و بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران گزارشگران ویژه‌ای را تعیین کرده که هرکدام از این گزارشگران طی سال‌های ماموریت خود، ده‌ها گزارش در رابطه با مسائل حقوق بشری در ایران منتشر کرده‌اند که باید متذکر شد در بخش‌های مرتبط با مساله‌ی کردستان، ضعف‌های آشکاری داشته‌اند. عاصمه جهانگیر گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران، در

شهریور ماه امسال، خواستار تحقیق مستقل و همه‌جانبه درباره کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ شد. اما نه تنها او، بلکه هیچکدام از سازمان‌ها و یا نهادهای بین‌المللی و ایرانی نیز تا به امروز در رابطه با فتوای جهاد خمینی علیه کوردها در مرداد ۵۸ و کشتار صدها کورد در آن روزها و یا محاصره‌ی تمام عیار سنندج به دست سپاه و ارتش در همان سال و ممانعت از ورود خوراک، وسایل بهداشتی، دارو و تمام امکانات لازم به شهر جهت به زانو درآوردن مردم و نیز بمباران کورد سنندج توسط هواپیماهای ارتش و قتل‌عام صدها نفر از مردم عادی و یا اعدام دسته‌جمعی ۵۹ شهروند کورد مهاجر در خرداد ۱۳۶۲ شمسی، بیانیه صادر نکرده و خواستار تحقیقات مستقل نشده‌اند.

با تمام این اوصاف و در طی این سال‌ها، فعالین سیاسی و مدنی کورد بی‌یکار ننشستند و تنها نظاره‌گر سکوت سازمان‌های حقوق بشری نبودند. محمدصدیق کبودوند، همراه با تعداد دیگری از فعالین مدنی کورد، در ۲۰ فروردین ماه ۱۳۸۴، سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان را بنیاد نهاد و در سال ۱۳۸۹ نیز تعداد دیگری از فعالین کورد آژانس خبرسانی "کردیا" را برای پوشش خبری نقض حقوق بشر در کردستان به راه انداختند تا کوردها از نقطه‌ی کور اعمال شده بر آن‌ها از سوی سازمان‌های حقوق بشری ایرانی و بین‌المللی، خارج شوند و خود به تریبون حقیقی خود بدل شوند. اما باید گفت که برای رسیدن به دنیایی آرمانی، هیچگاه

هنرمند زن کرمانی، با خواندن ترانه‌ای از مقاومت زنان عفرین حمایت کرد



یزدانبور تنظیم کرده است. چیمین رحمانی، دختر یداله رحمانی، هنرمند شهیر کرمانی، می‌باشد که بیشتر ترانه‌ی دیگری تحت عنوان "یک له هزاران" در رابطه با مسائل زنان و نیز ترانه‌ی دیگری در وصف و مدح مقاومت کوبانی منتشر کرده بود.

اجتماعی در رابطه با ترانه‌ی جدید خود نوشت: تقدیم به زنانی که محدودیت‌های اعمال شده‌ی جنسی را زیر پا گذاشته و معنای دیگری به زن بودن را وارد فرهنگ جهان کردند.

شعر این ترانه را شاعر سنندجی، سیمین چایچی سروده و موسیقی آنرا سامان

یکی از هنرمندان زن کرمانی برای حمایت از مقاومت کوردهای سوریه در مقابل تجاوز ارتش ترکیه به خاک کردستان، ترانه‌ای را منتشر کرد.

چیمین رحمانی، از زنان هنرمند کردستان، در صفحه‌ی اختصاصی خود در شبکه‌های

انفجار مین به جا مانده از جنگ ایران و عراق در ایلام، قربانی گرفت

۲۰ نفر زخمی شده‌اند. بر اساس آمارها، شش میلیون هکتار از خاک ایران به مین آلوده است. بنابر گزارشات حکومتی و بین‌المللی، استان‌های کردستان همچون ایلام و کرماشان، آلوده‌ترین مناطق ایران به مین محسوب می‌شوند. همچنین استان خوزستان نیز در کنار این دو استان کوردنشین، از جمله سه استان آلوده ایران محسوب می‌شوند.

جان باخته بر اثر انفجار مین در شهرستان مهران طی سال جاری به پنج تن رسیده است. عیسی بازیار از جمله فعالین مدنی کورد می‌باشد که بیش از سیزده در عرصه مین‌زدایی در ایران فعالیت داشته است. آژانس خبرسانی کُردیا در گزارش خود به آمار مرکز خود اشاره کرده و مدعی شده که طی شش‌ماه نخست سال جاری، از ۲۳ قربانی مین، ۳ نفر کشته و

یک شهروند ایلامی، بر اثر انفجار مین در مناطق مرزی مهران جان خود را از دست داد. بنابر گزارش منتشر شده‌ای از سوی آژانس خبرسانی کُردیا، یونس کاظم‌زاده جوان ایلامی اهل ملکشاهی، در پی انفجار مین در مناطق مرزی شهرستان مهران جان خود را از دست داد. کُردیا به نقل از عیسی بازیار اعلام کرد که با مرگ این جوان کورد، تعداد شهروندان

سردیس عثمان هورامی ساخته هادی ضیاءالدینی در سنندج رونمایی شد

این مراسم بودند و این مراسم با بخش فیلمی از زندگی استاد عثمان هورامی ساخته پرویز رستمی پایان یافت. استاد عثمان هورامی سال ۱۳۱۴ در روستای "کیمه" از توابع پاره چشم به جهان گشوده و در طول حیات خود توانسته است بیش از ۷۰۰ آواز کوردی هورامی را اجرا و ثبت نماید.

شهرت عثمان هورامی بواسطه تبحر وی در سرودن آواز سیاوچمانه است.

عثمان هورامی ساخته کیوان مجیدی آغاز گردید. در این مراسم، چندین فعال فرهنگی در رابطه با ادبیات و موسیقی هورامان ایراد به سخنرانی نمودند و در ادامه این مراسم، سردیس عثمان هورامی ساخته هادی ضیاءالدینی رونمایی شد و قرار است این پیکره در میدان هورامان سنندج واقع در خیابان کوسه هجیج نصب شود.

شعرخوانی و اجرای موسیقی هورامی بخش‌های دیگری از

طی مراسمی با حضور مردم و هنرمندان کردستان از یکی از هنرمندان برجسته و صاحب سبک و نام موسیقی هورامی تقدیر به عمل آمد.

شب چهارشنبه بیست و پنجم بهمن‌ماه، در مراسمی با حضور مردم و هنرمندان از تلاش‌های استاد عثمان هورامی در راستای خدمت به موسیقی هورامان در پردیس سینما بهمن سنندج تقدیر شد.

این مراسم با بخش کلیبی در رابطه با منطقه هورامان و

تهدید به قتل یک روزنامه نگار کورد از سوی نیروهای امنیتی رژیم ایران



یک روزنامه نگار سندجی طی انتشار نامه ای سرگشاده، اعلام کرد که به صورت مکرر تهدید به مرگ شده است. بنا بر گزارش منتشر شده ای از سوی آژانس خبرسانی کوردپا، اجلال قوامی روزنامه نگار و فعال حقوق بشر کورد اهل سندج، با انتشار نامه ای سرگشاده اظهار داشته که طی روزهای اخیر به صورت مکرر تهدید به مرگ شده است. این روزنامه نگار کورد طی مصاحبه ای که با آژانس خبرسانی "کوردپا" داشت، متذکر شده است که: افراد وابسته به کانال های امنیتی وی را تهدید به قتل کرده اند و این افراد او را به ارتباط با کانال های ضدانقلاب و مخالف نظام متهم نمودند. قوامی در بخشی از نامه خود می نویسد: در طول دو دهه فعالیت روزنامه نگاری و از حقوق بشری همواره بر مدار و پرنسیب های آن وفادار مانده ام و بر شفافیت و پرهیز از مستتر شدن در پشت هویت های جعلی

بازداشت یک شهروند کورد به اتهام "براندازی نظام" در مریوان

یک شهروند کورد اهل یکی از روستاهای تابعه مریوان توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. نیروهای اطلاعاتی یک شهروند کورد به نام "مظفر لطفی" ۴۰ ساله اهل روستای "بیله" از توابع مریوان را بازداشت کردند. به گفته یک منبع آگاه، نیروهای اطلاعاتی این شهروند کورد را به اتهام "براندازی و تبلیغ علیه نظام" بازداشت و تا لحظه انتشار این خبر از سرنوشت وی اطلاعی در دسترس نمی باشد. این منبع آگاه اظهار داشت: خانواده این شهروند کورد از دلیل بازداشت و محل نگهداری وی اظهار بی اطلاعی کرده اند. در همین رابطه نیز، روز جمعه بیستم بهمن ماه، یک جوان ۲۰ ساله کورد به نام "احسان قادری" اهل روستای "بانوره"

صدور حکم ۵۳ سال زندان و نیز حکم اعدام، برای ۱۶ شهروند کورد، تنها در ماه ژانویه



قوه قضائیه ایران تنها طی یک ماه نخست میلادی، برای ۱۶ شهروند کورد، ۵۳ سال و ۷ ماه حبس تعزیری و همچنین احکام اعدام صادر کرده است. بنا بر گزارش منتشر شده ای از سوی آژانس خبرسانی کوردپا، قوه قضائیه رژیم اسلامی ایران طی احکامی جداگانه، مجموعاً ۵۳ سال و هفت ماه حبس تعزیری و نیز احکام متعدد اعدام برای ۱۶ شهروند کورد صادر کرده است. این آژانس خبری با انتشار این خبر در روز سه شنبه، هفدهم بهمن ماه اعلام کرد: این قوه قضائیه است و با تأکید بر گزارشات ثبت شده در مرکز آمار آژانس خبرسانی کوردپا منتشر می شود، با توجه به نبود رسانه ای آزاد و فضای امنیتی حاکم بر کوردستان احتمال می رود آمار واقعی بیشتر از این تعداد باشد. در این گزارش آمده است: با استناد به این آمار ۱۴ تن از شهروندان کورد با اتهامات "سیاسی و امنیتی"، توسط دادگاه های انقلاب حکومت اسلامی ایران به ۵۳ سال و ۷ ماه زندان تعزیری محکوم و دو زندانی سیاسی کورد به نام های رامین حسین پناهی و

کشته و زخمی شدن دو کولبر کورد به دلیل سقوط از ارتفاعات کوهستانی

دو کولبر کورد طی حادثه های جداگانه در ارومیه و هورامان بر اثر سقوط از ارتفاعات کوهستانی کشته و زخمی گردیدند. شامگاه دوشنبه شانزدهم بهمن ماه، یک کولبر کورد به نام "طاهر چاشنی دل" ۳۵ ساله اهل روستای "حلج" از توابع منطقه مرگور در پی سقوط از ارتفاعات کوهستانی در مرز ارومیه جان خود را از دست داد. این کولبر کورد در حین حمل کوله (بار) در کوه "چمین" واقع در مرز میان منطقه مرگور ارومیه و شمزینان کردستان ترکیه دچار این حادثه شده است. از دیگر سو نیز، روز سه شنبه هفدهم بهمن ماه، یک کولبر کورد به نام "محمد کریمی" اهل روستای "دزلی" از توابع هورامان در پی سقوط از ارتفاعات "ته ته" به شدت زخمی و از ناحیه پا دچار شکستگی شده است. در همین رابطه، بعد از ظهر روز چهارشنبه یازدهم بهمن ماه، جسد دو کولبر کورد به نام های "جدیح و صبری ولی نژاد" اهل روستای "آوک" از توابع منطقه ترگور که از روز شنبه هفتم بهمن ماه در حین کولبری در ارتفاعات مارمیشو در مرز ارومیه در زیر بهمن مفقود شده بودند، کشف گردید. با مرگ این دو کولبر کورد، تعداد کولبران جان باخته طی سال جاری در پی سرما، برف و کولاک و بهمن به پنج تن رسید.

یک فعال کرمانشاهی از امکانات تعیین وکیل محروم شد



مسئولین قضایی زندان اوین یک فعال کرمانشاهی را از امکانات تعیین وکیل محروم کردند. سعید اقبالی، فعال مدنی اهل کرمانشاه که به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده، طبق گفته مسئولین قضایی این زندان وی تا دو ماه آینده بدون حق داشتن وکیل در قرنطینه نگهداری خواهد شد. این فعال مدنی روز پنجشنبه دوازدهم بهمن ماه در کرمانشاه بازداشت و اتهام "تبلیغ علیه نظام" به وی تفهیم شده است. پیشتر نیز، این فعال مدنی چندین بار از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت و همچنین احضار شده است.

عفو بین الملل: محکومیت و مجازات رامین حسین پناهی مغایر با قوانین بین المللی است

سازمان عفو بین الملل در بیانیه ای محاکمه و صدور حکم اعدام برای رامین حسین پناهی، زندانی سیاسی کورد را "ناعادلانه" توصیف کرد. این سازمان حقوق بشر می گوید: "این حکم در پی یک محاکمه به شدت ناعادلانه و به دنبال چهار ماه ناپدیدشدگی اجباری صادر شده است." در بیانیه عفو بین الملل آمده است: "در فاصله بین دستگیری و محاکمه، رامین حسین پناهی تنها یکبار اجازه ملاقات با وکیل خود را داشته است و این ملاقات هم با حضور ماموران اطلاعات انجام شده است. این موضوع نقض حق گفتگو با وکیل به صورت خصوصی است." دادگاه انقلاب سندج طی حکمی رامین حسین پناهی، زندانی سیاسی کورد را به اعدام محکوم کرد. این حکم روز پنجشنبه پنجم بهمن ماه به وکیل پرونده اش ابلاغ گردید. حسین احمدی نیاز، وکیل پرونده این زندانی سیاسی کورد در گفتگو با آژانس